

فضول باشی ورزش اردبیل و مجمع انتخاباتی هیات فوتبال استان

دوست صمیمی و یک رنگ و با وفایم فضول باشی ورزش اردبیل را خیلی وقت بود که ندیده بودمش. سرمای هوا و وضعیت نه چندان مساعد بدنی اجازه حضور بیشتر در اماکن ورزشی را به وی نمی دهد تلفنی خواستم جویای حالش شوم. هر چند حال مساعدی نداشت ولی دقایقی را هم صحبت شدیم.

وی بدون مقدمه باز هم به فوتبال اشاره کرد و گفت: گوش شیطان کر، شنیدم موافقت شده است که مجمع انتخاباتی رئیس هیات فوتبال استان اردبیل برگزار بشود. خدا را باید شکر کرد که بعد از این همه دربدری، حرف و حدیث ها و نقل و قول ها و روایات مختلف، در نهایت حضرات و تصمیم گیرندگان به این نتیجه رسیده اند و صد البته جای شکر و سپاس دارد که حداقل حضرات تهران نشین وقت آن را به دست آوردند که گوشه چشمی هم به مسایل فوتبال استان ما داشته باشند. من اگر دستم به نایب رئیس همیشه خندان و خیلی ز رنگ فدراسیون و همشهری عزیزش رئیس فدراسیون می رسید دست و پاهاشون را از بابت این همه لطف و عنایت و بزرگواری و دلسوزی به فوتبال اردبیل غرق بوسه می کردم که هیچ، اصلا خودم را در زیر پایشان قربانی می نمودم.

گفتم باز چی شده به فدراسیونی ها علاقه مند شده ای و هوادار آنها. چه سری در این حرف ها و گفته های فضول باشی ما نهفته است؟ ادامه داد: آخه شما نمی دانید که این نایب رئیس چه خدماتی به ورزش اردبیل و فوتبال و دوومیدانی این منطقه کرده است. نام او باید در اول صفحات تاریخ ورزش اردبیل با طلا نگاشته شود. او با خنده هایش در دوران مسؤولیت در فدراسیون دوومیدانی، معاونت سازمان تربیت بدنی وقت و فدراسیون فوتبال، دلسوزترین و عاشق ترین و خادم ترین فرد برای ورزش و بخصوص فوتبال ما بوده است. اگر بر من نخندیدو مسخره ام نکنید رواست که شورای شهر فوتبال دوست و ورزشی شهر ما در ماه های آخر دوران مسؤولیت، نصب تندیس این آقا در ورودی ورزشگاه تختی و یا در مید ان ورزش را مورد تصویب قرار بدهند و این چهره خدمتگزار ورزش اردبیل را به نسل جوان بدین روش معرفی نمایند.

گفتم حالا بگذریم از این آقای همیشه خندان، فکر می کنی چه کسی سکاندار فوتبال اردبیل در چهار سال آینده خواهد بود و آیا خبر

داری که چه کسانی ثبت نام کرده اند؟
اندکی به فکر فرو رفت و بعد ادامه داد: چند روزی از شروع ثبت نام گویا گذشته است ولی نمی دانم که چرا کوره آن داغ نشده است. البته من کمتر فرصت بیرون رفتن از منزل را دارم ولی خبرها می رسد. گویا کاندیداها و کسانی که دلشان برای خدمت به فوتبال اردبیل می طپد می خواهند تا ساعات آخر مهلت ثبت نام منتظر بمانند و اوضاع را بسنجند و آنگاه اقدام کنند ولی من از یک چیزی خیلی تعجب می کنم ، این روزها آنهایی که در کاخ فوتبال اردبیل در حافظ جا خوش کرده اند خیلی معمولی با بحث انتخابات برخورد می کنند. دیگر از آن مصاحبه های آتشین و اعلام آمادگی کردن ها برای برگزاری مجمع و حرص و جوش خوردن ها خبری نیست. نمی دانم چرا؟ ولی هر چه هست گذشت زمان همه چیز را نشان خواهد داد. شاید این همه جدیدترین تاکتیک آقایانی است که دوست ندارند حتی برای لحظه ای هم که شده کاخ حافظ را ترک نمایند و قدرت و فرماندهی برای فوتبال اردبیل را از دست بدهند.

در ادامه گفت : خسته شدم ، برای این شماره ات کافی است. هفته دیگه می توانیم بیشتر در این مورد حرف بزنیم.